

توپ‌قاپوسرای، موزه هنر اسلامی^۱

میثم رضایی مهور^۲

مجموعه کاخ موزه توپ‌قاپوسرای یا توپکاپی تا قبل از انقلاب ترکیه در سال ۱۹۲۴ خانه‌ای برای سلاطین عثمانی بود که همراه هیئتی که تمام خدمات لازم را برای زندگی دربار و انجام تشریفات رسمی فراهم می‌نمود، در آن اقامت داشتند. از مسجد، مدرسه، حمام، کارخانه و کتابخانه گرفته تا زرادخانه و ضرابخانه و خزانه‌داری که گرانبهاترین اشیاء دربر می‌گرفت، در این کاخ وجود داشتند. بعد از تأسیس جمهوری، این کاخ به طور گسترده به عنوان یک موزه، تعمیر و تغییر شکل داد و بعد از آن به عنوان یکی از پربیننده‌ترین مکانهای عمومی و یکی از مهم‌ترین موزه‌های ترکیه و موزه‌های هنر اسلامی مطرح گردید. مجموعه‌های غنی و با ارزش این موزه که شامل مجموعه مینیاتورها و نگارگری‌های اسلامی و ایرانی، خوشنویسی، ظروف چینی و ژاپنی، گنجینه غنی امپراتوری عثمانی، مجموعه نظامی و یادگارهای مذهبی می‌شوند، موجب شده‌اند که محققان را از سراسر دنیا به این موزه بکشانند. این موزه بهترین منبع برای شناخت تاریخ و هنر امپراتوری عثمانی است. با وجود درگیری‌های دولت ایران با دولت عثمانی، به خصوص در عهد صفوی، روابط نزدیک این دو کشور و حضور هنرمندان ایرانی در دربار عثمانی و هدایایی که رد و بدل می‌شد (که به عنوان مثال می‌توان به نسخه معروف شاهنامه شاه طهماسبی که از سوی شاه طهماسب

۱. این مقاله در سال ۱۳۸۱ به نگارش درآمد (ترجمه و تألیف) که با توجه به احساس نیاز در معرفی مجموعه‌های هنر اسلامی، در این شماره از این مجله توفیق انتشار یافت که در آن معرفی مختصر و ارزشمند الگ گرابار از نسخه‌های مصور نقاشی ایرانی موزه توپکاپی سرای افزوده شد:

Grabar.oleg, Mostly Miniatures: An Intruducation to Persian painting, princeton university press, 1999

۲. کارشناس موزه‌داری و کارشناس ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اصفهان.

صفوی به سلطان سلیم عثمانی هدیه شد، اشاره نمود) و تعداد زیاد آثار متعلق به هنر ایران در این موزه، موجب شده است تا بررسی آثار این موزه برای تحقیق در آثار هنری ایران ضرورت یابد.

نگاهی به تاریخ و هنر عثمانی و پیشینه شهر استانبول

تاریخ:

پس از تجزیه حکومت سلجوقیان آسیای صغیر و تقسیم آن بین چند حکومت محلی، سرانجام قدرت به دست قبیله‌ای ترک که به نام بنیانگذارش عثمان، سلسله عثمانی خوانده می‌شد، انتقال یافت. خاندان عثمانی از سده سیزدهم در آناتولی و سرزمین‌های اطراف حکومت می‌کرده‌اند و با گسترش حوزه حاکمیت خود بر خاورمیانه، اروپایی شرقی و شمال آفریقا به امپراتوری عظیمی دست پیدا کردند که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی تداوم یافت.

در سال ۱۴۵۳ میلادی، سلطان محمد فاتح توانست قسطنطنیه، پایتخت روم شرقی را تسخیر کند که مورخان این رویداد را پایان قرون وسطی می‌دانند. قرن شانزدهم، دوران اوج قدرت امپراتوری عثمانی بود و از قرن هیجدهم نیز دوران انحطاط سیاسی و نظامی، صنعتی، اقتصادی و هنری عثمانی آغاز می‌شود. در قرن نوزدهم، این امپراتور رو به احتضار که عنوان «مرد بیماراروپا» را داشت، مسئله شرق شد و چون هیچ یک از قدرت‌های بزرگ اروپایی نمی‌خواست انحلال آن به نفع یکی از کشورهای بزرگ باشد، انحلال آن تا سال ۱۹۲۰ و استعفای عبدالحمید دوم به تأخیر افتاد.

قسطنطنیه

تاریخ شهر استانبول، به قرن هفتم قبل از میلاد می‌رسد که مهاجران غربی در آنجا به یک کولونی کوچک تجاری یونانی دست پیدا کردند که با نام بیزانتیون شناخته می‌شد. دو دلیل عمده توپوگرافی و ملاحظات استراتژیک برای اقامت و تجمع در دوران باستان موجب شد تا این شهر در نوک شبه جزیره‌ای که از آن سه مسیر دریایی منشعب می‌شود، در شکل معمول یک شهر و با دیواری به طول پنج کیلومتر و ۲۷ برج محافظ ساخته شود. این شهر احتمالاً یکی از اولین شهرهایی است که در موقعیت موضع‌نگاری مکان شهرهای افسانه‌ای قرار می‌گیرند.

رشد و توسعه مداوم شهر، موجب تغییرات و دگرگونی‌های متعدد در منظر شهری شد که اولین این تغییرات و تغییر مکان در سال ۱۹۶ میلادی، طی دوران اقامت امپراتور سپتیمیوس سوروس بود که شامل بازسازی دیوار شهر شد. امپراتور دیگر روم کنستانتین بزرگ این شهر را به یک کلان شهر بزرگ به نام کنستانتینوپل (قسطنطنیه) تبدیل کرد و این شهر به عنوان پایتخت امپراتوری روم شرقی مبدل گردید. امپراتور تئودوسیوس به عنوان حکمران بزرگ دیگری، موجب گسترش و دوباره‌سازی دیوار شهر شد. در دوره‌های بعدی، بناهایی خراب یا رها شدند و ساختمان‌هایی دیگر ساخته یا دوباره‌سازی شدند که بسیاری از آنها مشرف به دریای مرمره بودند. امپراتور ژوستین (۵۵۸-۵۷۸ م)، بخش اصلی شهر را ساخت

و هنگامی که تصمیم به احداث کاخ خود در محل تلاقی دیوارهای دریایی قرن‌الذهب یا شاخ زرین با دیوارهای شهر گرفت، شهر دستخوش تغییراتی گردید. در قرون دهم و یازدهم میلادی و مقارن با دوران الکسیوس کامنتوس «بلاچرنا» رسماً به عنوان اقامتگاه امپراتوری طراحی شد و بقیه کاخ‌های بیزانس رها شدند. مهم‌ترین یادگار از دوران باستان در این شهر، بنای ایا صوفیه (از اصل یونانی «هاگیا سونیا» به معنی حکمت مقدس) که در ابتدا کلیسایی بود که در سال ۳۶۰ میلادی ساخته شد و دوبار طعمه آتش گردید و در سال ۵۲۷ به فرمان امپراتور ژوستی نیانوس در آن جایگاه بنایی با گنبدی معظم برپا شد که با تعمیرات و تغییرات بعدی، تاکنون برجای مانده است. این بنا مهم‌ترین ثمره هنر بیزانسی است که در عصر طلایی آن، یعنی قرن ششم احداث شد و معماران آن آنتیموس اهل ترالس و ایسیدور اهل ملطیه بودند.

سرانجام ۲۴۰ سال پس از پی‌ریزی اولیه شهر، یک سلطان جوان عثمانی در سن ۲۲ سالگی شهر را فتح کرد که به افتخار این پیروزی، عنوان فاتح گرفت و این شهر را به عنوان پایتخت خود، جهت گسترش امپراتوری و به عنوان مرکز اجرایی و اقامتگاهی خود قرار داد. در هنگام فتح این شهر، سلطان محمد با یک شهر ضعیف و مردمی متشکل از چهل هزار تن که به صورت پراکنده میان زمین‌های کشاورزی اقامت داشتند، روبرو شد. این زمان آغاز یک برنامه بی‌سابقه و فعالیت‌های ساختمانی در نسبت‌های بزرگ بود که در ساختمان‌های مذهبی و غیرمذهبی جلوه نمود. سیاست ترکان عثمانی ایجاب می‌کرد که برای از بین بردن نفوذ مسیحیت، به احداث بناهای مذهبی در استانبول اقدام نمایند و با تبدیل کلیسای هاگیا سوفیا به مسجد ایاصوفیه، مساجد با عظمت دیگر نیز با پیروی از این بنا زینت بخش این شهر گردیدند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مساجد سلطان احمد اول و سلطان سلیمان یا سلیمانیه اشاره نمود.

اولین دستور سلطان محمد پس از فتح شهر، ساخت یک کاخ برای پایتخت جدید خود بر روی منطقه‌ای بود که امروز دانشگاه استانبول در آنجا قرار دارد، اما تصمیم او تغییر کرد و دستور داد تعدادی ساختمان روی دماغه جنوب شرقی بنا کنند که بعداً به نام کاخ توپکاپی (توپ قاپو سرای) شناخته شد. دیگر کاخ‌های عثمانی در شهر استانبول که به ویژه از قرن نوزدهم شناخته شده، عبارتند از: کاخ/اولما باغچه که در اواسط قرن نوزدهم ساخته شد و پس از جمهوری نیز مورد استفاده آتاتورک قرار گرفت؛ کاخ/یلمیز که یکی از آخرین اقامتگاه‌های سلاطین عثمانی بود و در اواخر قرن نوزدهم توسط عبدالحمید دوم تکمیل گردید؛ کاخ بیگلر بیگی در سال ۱۸۶۵ در ساحل آسیایی بغاز بسفر به امر سلطان عبدالعزیز ساخته شد؛ قصر/ایملا مور و قصر مسلک که محل شکار سلاطین بوده و امروزه به عنوان کافه تریا، تغییر عملکرد داده است.

ج: هنر عثمانی

هنر عثمانی در ابتدا تداوم و اقتباس از هنر سلجوقی بود و سپس تحت تأثیر عناصر بیزانس و اروپایی قرار گرفت. در دوران فتوحات، از سرزمین‌های مختلف اسلامی، هنرمندان زیادی به دربار عثمانی روی می‌آوردند و در دوران جنگ‌های عثمانیان با دولت صفویه و به ویژه جنگ چالدران، تعداد زیادی از هنرمندان و معماران ایرانی که در تبریز به عنوان اسیر دستگیر شدند، به دربار عثمانی فرستاده شدند این مسئله موجب

ترویج هنر درخشان عصر صفوی در امپراتوری عثمانی گردید.

مشخصه معماری عثمانی، گنبد‌های نیم‌خیز و مناره‌های بلند نوک‌تیز است و هنرمند و معمار بزرگ آن سینان پاشا بود که کارهای بزرگی از خود بر جای گذاشت. هنرمندانی که از تبریز به دربار عثمانی برده شدند، وظیفه طراحی برای کاشی‌کاری بناها را بر عهده داشتند و در نتیجه در تزئین بناهای عثمانی، اسلیمی و نقش‌های انتزاعی آمیخته گردید با صور گیاهی چون لاله و سنبل و گل سرخ، با این حال طرز ساخت و رنگ‌های کاشی عثمانی با کاشی ایرانی متفاوت بود. نقوش به کار رفته در کاشی‌ها در سفالینه‌ای از این دوران که مرکز ساخت آنها شهر ایزنیک بود و نیز در پارچه بافی، استفاده گردید.

فرش‌ها و قالی‌های عثمانی بیش از همه مورد توجه مردمان عصر خود گشته بود و قلم صادراتی مهمی را به اروپا تشکیل می‌داد که سیر تکامل آنها را می‌توان از روی تابلوهای نقاشی اروپایی بررسی نمود، چرا که نمونه‌های معدودی از آنها باقی مانده است. طرح و رنگ این قالیچه‌ها و قالی‌ها همواره انتزاعی باقی ماند و بر خلاف فرش ایرانی، تصاویر پیکرنا در آن راه پیدا نکرد. درباره نقاشی و نگارگری عثمانی که شدیداً تحت تأثیر نگارگری ایرانی بود، در بخش مربوط به نقاشی‌های موزه توپ‌کاپی، صحبت به میان خواهد آمد.

معرفی ساختمان‌ها و بخش‌های مختلف کاخ موزه توپ‌کاپی

کاخ توپ‌کاپی که بر دریای مرمره و تنگه بسفر مشرف است، در محل یک باغ قدیمی از درختان زیتون، به دستور سلطان محمد فاتح ساخته شد و برای مدت چهار قرن تا حکومت سلطان عبدالمجید، محل زندگی سلاطین عثمانی بود. این کاخ در طول سالیان دراز، به طور مداوم دستخوش تحول گردید و بعضی از ساختمان‌هایش ناپدید شدند یا بر اثر آتش‌سوزی و زلزله از بین رفتند و راهی شد برای ساختن ساختمان‌های جدید که آخرین ساختمان آن توسط سلطان عبدالمجید اضافه گردید، در نتیجه، این مجموعه بزرگ، هرگز در یک زمان ساخته نشده، بلکه بنای سازمان یافته‌ای است که ثابت نمانده و انعکاسی از سبک‌ها و سلیقه‌های دوره‌های مختلفی است.



۱- دروازه معروف به باب همایون ورودی کاخ موزه توپ‌کاپی.

شکل نهایی کاخ، منطقه‌ایی به مساحت هفت‌هزار مترمربع را در بر می‌گرفت که با دیوارهایی به طول ۱۴۰۰ متر محصور شده بود و دروازه‌هایی در دیوارها قرار داده شده بود که شامل دروازه اوتلوک، دروازه دمیر و دروازه شاهی (باب همایون) و تعدادی دروازه کوچک زاویه‌دار می‌شوند.

پیش از داخل شدن از در ورودی، شاهد فواره سلطان احمد سوم هستیم که به سبک باروک در قرن هیجدهم ساخته شده

و یکی از چشمگیرترین نمونه‌های چنین فواره‌هایی است که در چهار طرف آن شیرهای آب برای توزیع آب نوشیدنی به عابران وجود داشت. در سمت راست نیز مسیری ما را به سمت مسجد اسحاق پاشا هدایت می‌کند که بیشتر ویژگی‌های این بنا در طول سالیان دراز در مرمت از میان رفته است.

در دو طرف در ورودی معروف به باب همایون، برج‌هایی وجود دارد که در زمان سلطان محمد فاتح ساخته شده‌اند. مجسمه‌هایی خشن از سر خیانتکاران، معمولاً در اینجا به نمایش در می‌آمده است. در به وسیله گاردهای مخصوص حکومتی حفاظت می‌شود. در اطراف اولین حیاط، تعداد زیادی ساختمان‌های خدمتی، شامل بیمارستان، سربازخانه، ضرابخانه، نانوايي و غيره وجود دارد. این حیاط برای عموم باز است. وقتی که از دروازه وارد شوید، در سمت راست، بقایای بیمارستان سامسون بیزانتین را که در طول تهاجم نیکا از بین رفت و امروزه به دلیل فراهم کردن یکسان امکانات درمانی برای فقیران و ثروتمندان معروف شده، وجود دارد. در نزدیکی آن /یا/ ایرنه، یکی از قدیمی‌ترین کلیساها در قسطنطنیه که کلیسای اسقفی عظمی قبل از /یا/ صوفیه بوده، وجود دارد. این کلیسا در قرن چهارم گسترش پیدا کرد و در آن دوره نقشی مهم و گاه خونبار در درگیری‌های بین ارین و مسیحیان ارتدکس داشت. کلیسا در شورش نیکا سوخته و به وسیله ژوستی نیانوس بازسازی شد. ایالیرنه تنها کلیسای بیزانس با درونی دست نخورده در قسطنطنیه است که پلان آن نمونه خوبی از انتقال پلان مستطیل شکل بازلیکا به چلیپای (صلیب) یونانی است. دیوارهای ضخیم گنبد اصلی و گنبد کوچک در سمت غرب را حمایت می‌کنند. طرح صلیب ساده محراب، باید دوره شمایل شکنی (قرون هشتم و نهم) مربوط باشد و بقایای موزاییکی در جلوی شبستان، احتمالاً به زمان ژوستی نیانوس بر می‌گردد.

از آنجایی که /یا/ ایرنه به وسیله دیوارهای کاخ پس از فتوحات محصور شد، دیگر نمی‌توانست کار کرد قبلی یا عنوان مسجد را داشته باشد؛ در عوض به عنوان سربازخانه برای سربازان پیاده نظام استفاده شد و جمع‌آوری سلاح‌های آنتیک در آنجا ما را به این نتیجه می‌رساند کارکرد این موزه در قرن نوزدهم به عنوان یک موزه نظامی بوده و هنگامی که موزه نظامی به حربه منتقل شد، /یا/ ایرنه بار دیگر تغییر ماهیت داد و تا امروز به عنوان تالار کنسرت از آن استفاده شده است.

از طرف کلیسا، یک جاده باریک ما را به طرف پارک Gilhane هدایت می‌کند که این پارک زمانی بخشی از باغ کاخ بوده است. در میانه مسیر پایین به طرف پارک، روی تپه‌ها استراحتگاه کاشی‌کاری شده و موزه باستان‌شناسی که یکی از مجموعه‌های بزرگ است، قرار گرفته که کنار آن نیز موزه‌ای از تاریخ شرق نزدیک قرار دارد. در این موزه، آثار هنری پیش از اسلام و آشوریان و مصریان و بابلیان به نمایش در آمده‌اند. استراحتگاه کاشی‌کاری شده نیز قدیمی‌ترین ساختمان توپکاپی است که توسط سلطان محمد دوم (فاتح) ساخته شده است در آنجا کاشی‌های نفیسی تمام ساختمان را زینت داده است که ردپایی از هنر دوره سلجوقی در طرح و رنگ‌های غالب آبی و فیروزه‌ای در آن دیده می‌شود. این موجب شده است که ساختمان به یک موزه کاشی تبدیل شود.

اگر به پارک Gilhane وارد شویم و به سمت راست حرکت کنیم، به ستون‌های سبک گوتیک که

از بناهای بیزانسی است، می‌رسیم. به نظر می‌رسد یادبودی از پیروزی ای در مقابل گوت‌ها در اواخر قرن سوم باشند. تقریباً تمامی مخروبه‌های نامعلوم، بیزانسی هستند. تعداد زیادی از قبرهای ناشناخته بیزانسی در حیاط کاخ و در موزه باستانشناسی قرار دارند. بنای دیگری نیز پیش از کاخ توپکاپی به نام استراحتگاه سبذافان قرار دارد که در آنجا برای محصولات باغ سلطنتی سبذ بافته می‌شد و اکنون این ساختمان به عنوان یک مرکز خبری بین‌المللی می‌باشد.

با وجود بزرگی کاخ توپکاپی، تنها بخش‌هایی از آن روی عموم باز است و نمایش داده شده‌اند. بخش وسیعی از ساختمان‌های کاخ توپکاپی، شامل ساختمان‌های حرم می‌شود که بازدید از آن هزینه جداگانه‌ای دارد و در گروه‌های محدود و زمان‌های مشخص ممکن می‌شود.

حرم یک لابیرنت وسیع از اتاق‌ها و راهروهاست که ورودی بازدیدکنندگان به آن از طریق حیاط دوم و دیوان خانه که در رابطه بین حرم و حیاط و مکان‌های عمومی قصر است، صورت می‌گیرد. دیوان خانه یا تالار شورا که امروزه در آن مجموعه‌ای از سلاح‌های نظامی قرار گرفته، در گذشته محلی بود که در آن مجمع ایالتی زیر نظر وزیر اعظم چهار روز در هفته جمع می‌شدند که در بالای آن یک پنجره با میله‌های آهنی وجود داشت و سلطان می‌توانست هر وقت که بخواهد بدون اینکه دیده شود این جلسات را مشاهده کند.

با ورود به حرم، اتاق‌هایی دیده می‌شوند که متعلق به خواجه‌های سیاه، زنان حرمسرا، مادر و خود سلطان



۲- نمایی از بخشی از ساختمان‌های حرم امپراتوری.

بوده‌اند. یکی از جنبه‌های جالب حرم، فضای رمز آلودی بود که در بالای زندگی آنجا گسترده شده بود، چرا که هیچ یک از ساکنان آنجا، اجازه خروج از آنجا با اراده خود را نداشتند و بالطبع کسی هم از بیرون پذیرفته نمی‌شد. مسائل جنسی موضوعی برای سلطان، زنان حرمسرا و همسران بود. خواجه‌های جوان به عنوان محافظ زنان حرمسرا بودند که در واقع در آنجا دربند بودند. شاهزادگان جوان در قسمتی از کاخ زندگی می‌کردند و بعد از اینکه به بلوغ می‌رسیدند، آنها را برای زنان حرمسرا انتخاب می‌کردند. زندگی عمومی افراد توسط قدرت سلطان محدود می‌شد و با وجود اینکه قانون

جانشینی موروثی توسط احمد اول تغییر یافت بزرگ‌ترین عضو حکومتی در مقابل بزرگ‌ترین پسر پادشاه به حکومت رسید، شاهزادگان همیشه در خطر سوء قصد قرار داشتند.

دو سمت مخالف این حیاط، ساختمان‌های آشپزخانه قرار دارند که دارای ردیف‌هایی از گنبد و دودکش هستند و زمانی در آن روزانه برای هزار نفر غذا فراهم می‌کردند. در حال حاضر در این بخش از کاخ موزه،

مجموعه‌ای بزرگ و بی‌نظیر از ظروف چینی ساخت چین و ژاپن به نمایش در آمده است. دروازه ورودی به حیاط سوم که به باب السعد یا دروازه خوشی معروف است، ما را وارد مساحات درونی کاخ می‌کند. تنها سلطان اجازه داشت که سوار بر اسب از این دروازه عبور کند و تنها تعدادی از سیاستمداران مورد اعتماد می‌توانستند اجازه ورود از این دروازه را داشته باشند. در تاریخ عثمانی، تنها یک مرتبه و در شورش‌های عثمان دوم را خلع کرد، جرئت عبور از این دروازه پیدا شد و در یک مورد مصطفی پاشای علمدار، برای نجات جان سلطان محمود دوم، فرمان شکستن دروازه را صادر نمود. در حیاط سوم، محل بارگاهی قرار گرفته بود که وزیر بزرگ و اعضاء دیوان برای ارائه تصمیمات خود به نزد سلطان می‌آمدند. در این حیاط همچنین کتابخانه‌ای با ذوق سلطان احمد دوم در قرن ۱۸ م ساخته شد. ساختمان‌های شمالی‌ترین گوشه این حیاط اندرونی شاهی را جای داده بودند. امروزه در جانب شرقی این حیاط در چند سالن، گنجینه امپراتوری و لباس‌های سلاطین عثمانی به نمایش در آمده‌اند و در یکی از ساختمان‌های روبروی دروازه سوم نمایشگاهی از بهترین مینیاتورهای موجود در مجموعه موزه (که شامل بیش از یک‌هزار نسخه می‌باشد) قرار داده شده است. در جایی که زمانی شایسته‌ترین جوان دربار آموزش می‌دید، یک مجموعه با شکوه از خوشنویسی به نمایش در آمده است. در آخرین حیاط از مجموعه توپکاپی، شاهد کوشک‌های زیبایی هستیم که توسط سلاطین مختلف ساخته شده‌اند. کوشک‌های بغداد و روان که برای مراد چهارم ساخته شده‌اند، از نظر ساختمان و تزئینات داخلی نسبت به ساختمان‌های دیگر برجسته‌تر هستند. کوشک سوفا در مرکز در داخل باغ‌ها در طول دوران احمد سوم ساخته شد و کوشک سلطان عبدالمجید امروز به عنوان رستوران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بین دو کوشک بغداد و روان نیز یک تراس حرم با یک حوض در وسط موجب ایجاد چشم‌اندازی مسلط به قرن الذهب (شاخ زرین) و تنگه بسفر شده است.

معرفی مجموعه‌های موزه توپکاپی

الف: گنجینه امپراتوری

کاخ توپکاپی در اصل شامل چند گنج‌خانه بود. برای مثال یک اتاق که «گنجینه سفرا» نامیده می‌شد، مرکب از اشیاء گرانبه‌ای بود که در زمانی که دیگر مورد استفاده نبودند، آنجا نگهداری می‌شدند و مورد بازدید نمایندگان خارجی عثمانی قرار می‌گرفت. به علاوه یادگارهای مقدس منسوب به حضرت محمد (ص)، گنجینه داخلی و گنجینه اسب‌سواری که هر کدام را جداگانه قرار داده بودند.

مجموعه‌ای که امروزه می‌بینیم، شامل هدایای

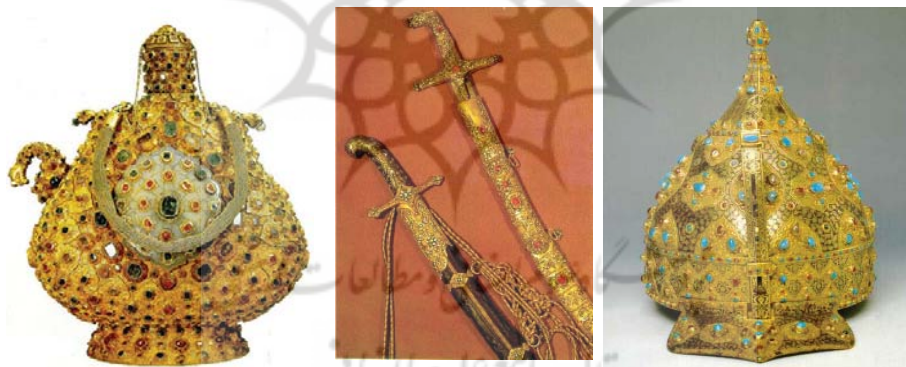


۳- کوشک بغداد واقع در چهارمین حیاط کاخ.

سفیران، پیشکش‌های برتخت نشینی سلاطین و اشیایی که خود سلاطین خریداری می‌نمودند و نیز گنجینه بزرگی از غنائم جنگی - که توسط سلطان یا وزیر سلیم جمع‌آوری شده بود - است. درهای آنها تا دوران اخیر بسته و مهر شده بودند. آثار هنری گنجینه تا زمان سلطان عبدالمجید، در صندوق‌ها و گنجه‌ها نگهداری می‌شدند و طبق مقررات کاخ، هر سلطان پس از برتخت نشستن، از گنجینه بازدید به عمل می‌آورد، تا وقتی که عبدالمجید بازدید و نمایش بعضی از اشیاء را مرسوم ساخت و از این اقدام وی سلطان عبدالعزیز و سلطان عبدالحمید دوم نیز پیروی نمودند. تنها سلطان و در غیاب وی یک گروه چهل نفری از مردان به اتفاق هم، اجازه ورود به گنجینه را داشتند. مجموعه چندین بار پر و خالی شد، چرا که ورود هدایا به دربار یا خروج آنها به کشورهای جهان همواره جاری بود. به عنوان مثال هر سال یک هدیه به بارگاه حضرت محمد (ص) در مدینه فرستاده می‌شد.

گنجینه سالن اول:

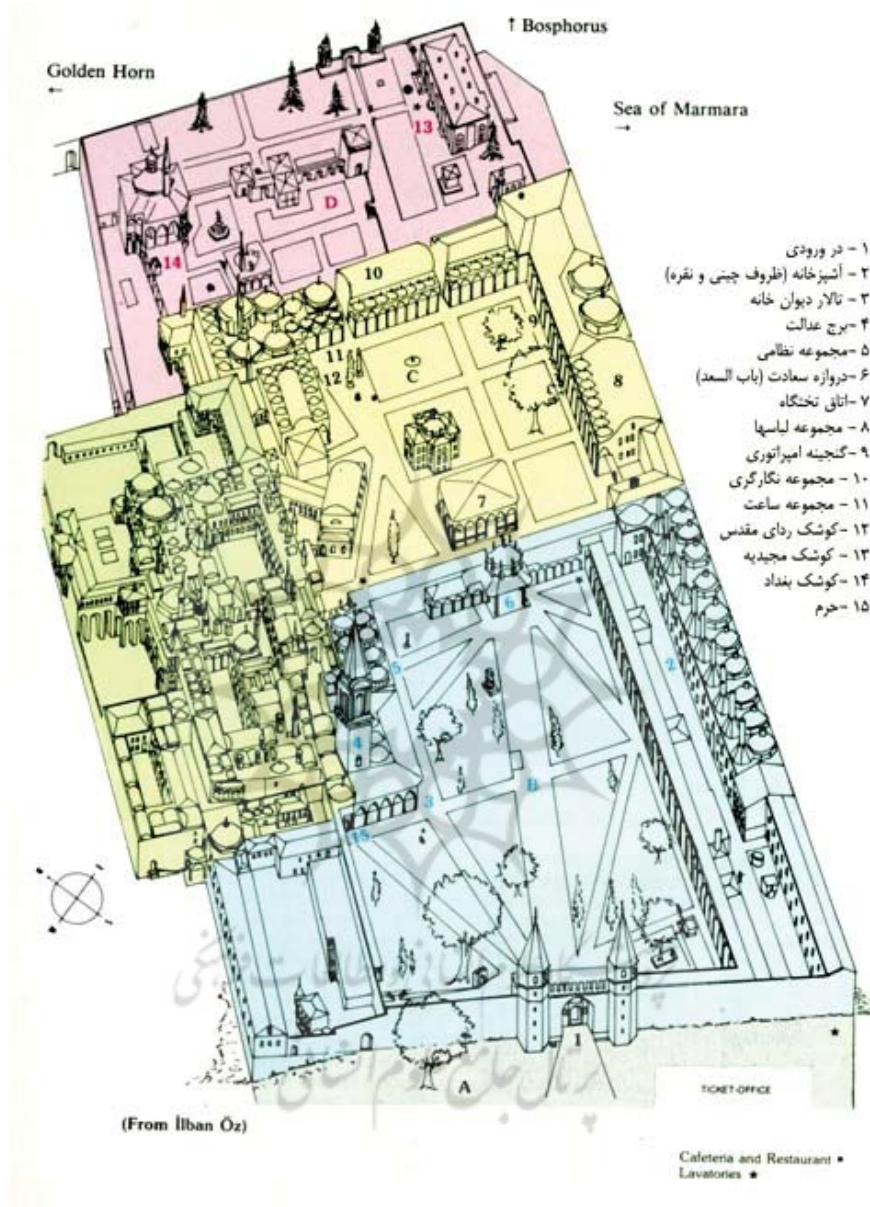
در ویتترین اول این سالن، یک زره آهنی که از طلا و سنگ‌های قیمتی روکش شده، قرار دارد که از سر تا نوک پاها را محافظت می‌کند و نیز شمشیر و سپر و پوشش پا هنگام سوارکاری قرار گرفته‌اند. در ویتترین شماره دو، جعبه‌ها و پوشش‌های قرآن مزین به مروارید که برای استفاده شخصی سلاطین بوده‌اند، به نمایش در آمده‌اند. در ویتترین سوم نیز تخت آبتوس سلطان مراد چهارم این سالن ظروف، کوزه‌ها و



۷- کلاه خود فولادی، طلاکاری ۶- شمشیرهای طلا کاری ۵- قمقمه طلا که با مروارید و و مرصع کاری شده اواسط قرن شده، گنجینه امپراتوری. زمرد ترصیح شده است از گنجینه شانزدهم میلادی. امپراتوری.

گلدان‌های ایرانی و ترکی از قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی قرار گرفته و در ویتترین روی آنها اشیایی که شامل شمعدان‌های طلا و یک پیک آب طلا است، قرار دارند که متعلق به محمدعلی پاشا حکمران مصر و مصطفی پاشا هستند.

توپقاپوسرای، موزه هنر اسلامی / میثم رضایی مهوار



پیام بهارستان / د. ۴، س. ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۴- پلان مجموعه کاخ موزه توپکاپی

یک‌دست شربت خوری و یک مجموعه شستشو که با کیفیت بالایی طلا کاری شده‌اند، از اشیاء دیگر این سالن هستند که متعلق به مدر سلطان محمود دوم بوده‌اند. در ویتترین هشتم این سالن، یک جعبه موسیقی تزئین شده هندی وجود دارد. با چرخشی به سمت ویتترین‌های مرکزی موجود در این سالن، ما شاهد شمار زیادی از اشیاء نظامی تزئین یافته هستیم که از اشیاء متعلق به نگهبانان خانه سلطان جمع‌آوری شده‌اند.

گنجینه سالن دوم:

با ورود به این سالن، در سمت راست و در ویتترین اول، تسبیح‌هایی با دانه‌های زمرد و یک تیردان ساخت هنرمندان ترک در قرن شانزدهم که از طلا پوشیده شده و با نقوش گل تزئین شده و با الماس و زمرد مرصع کاری شده است. در ویتترین دوم، آویز معلق متعلق به سلطان عبدالحمید اول از زمرد که در طلا قاب شده، قرار گرفته که بی‌شک یکی از برجسته‌ترین قطعات این سالن است و شامل سه زمرد بزرگ در یک مثلث از ورقه طلا و چهل و هشت رشته مروارید است. این آویز همراه ۹۷ قطعه جواهر دیگر در اصل هدیه‌ایی از روی سلطان به خانه خدا در مکه بودند که هنگامی که از سرحدات امپراتوری خارج شد، به استانبول بازگردانده شدند.



۹- الماس معروف به spoonmaker، ۸- نشان سلطان که بر روی عمامه یا کلاه گنجینه امپراتوری. نصب می‌شد، زمرد، یاقوت و مروارید، گنجینه امپراتوری.

در ویتترینی مشابه، یک آویزه شش پهلوی از زمرد متعلق به سلطان احمد اول و در ویتترین سوم نیز یک آویز دیگر متعلق به سلطان مصطفی به علاوه یک خنجر زمردین متعلق به محمد چهارم قرار دارند. این خنجر نمونه خوبی از صنایع هنری قرن هفدهم است که ۳۱ سانتیمتر درازا دارد و قبضه آن تماماً زمرد بوده که در طلا کار گذاشته شده‌اند. این خنجر به عنوان هدیه‌ای به نادرشاه افشار به ایران آورده می‌شود که پس از قتل نادرشاه دوباره بازگردانده می‌شود (تصویر شماره ۱۱).

در ویتترین پنجم، یک پلاک طلا با الماس تزئین شده در شش گوشه و در الماس‌های آن با مروارید محاط شده متعلق به سلطان عبدالمجید اول قرار دارد که در هر سمت آن نام وی نقش بسته است. از اشیاء بسیار مهم و زیبای این مجموعه پرهای عمامه و کلاه سلاطین نظیر پر کلاه و سوزن‌ها قرار گرفته‌اند که به صورت زمردها و مرواریدهای لرزنده نصب می‌شدند. (تصویر شماره ۸)

گنجینه سالن سوم:

در این مجموعه، بیشتر الماس و طلا کاری به چشم می‌خورد. پس از ورودی در سمت راست، جعبه‌های قرآن تزئین شده با سنگ‌های قیمتی قرار گرفته‌اند. در ویتترین دوم، یک دست ظروف دسر متعلق به سلطان عبدالحمید به علاوه یک عود سوز از طلا و یک دست شربت خوری میناکاری شده قرار گرفته‌اند. در بالای این ویتترین سوم، یک آویز با نشان سلطان محمد دوم با الماس‌هایی بر زمینه میناکاری شده با رنگ‌های آبی و صورتی وجود دارد که زنجیر آن از طلا است و ۴۵ رشته مروارید هر کدام با طول پنج سانتی‌متر از آن آویزان می‌باشند.

در ویتترین دیگری، گروهی از چندین الماس تراش خورده خیلی بزرگ و معروف قرار دارند. از دیگر اشیای این مجموعه، سنجاق‌ها حلقه‌ها، دیگر جواهرات و عودسوزهای طلا است و در آخرین قسمت از این مجموعه، شاید زیباترین شیء مجموعه، یعنی الماس معروف Spoonmaker قرار گرفته است. (تصویر شماره ۹)

گنجینه سالن چهارم:

مهم‌ترین اشیای این مجموعه، شامل شاهکارهایی از هنرمندان هند و ترکیه است و مهم‌ترین شیء این مجموعه، تخت معروفی است که قبلاً تصور می‌شد متعلق به شاه اسماعیل بوده که جزو غنائم جنگ



- ۱۱- خنجر اهدایی سلطان محمود عثمانی به نادرشاه، گنجینه امپراتوری سالن دوم.
۱۰- تخت اهدایی نادرشاه به سلطان محمود پادشاه عثمانی، گنجینه امپراتوری سالن چهارم

چالدران به دست سلطان سلیم افتاده است، ولی با تحقیقاتی که هیئت علمی موزه به عمل آورد، مشخص شد که این تخت از کارهای هنرمندان هند بوده و جزء تخت‌هایی است که نادرشاه با تخت طاووس به ایران آورده است و سپس به دنبال یک سیاست آشتی جویانه به منظور برقراری صلح دائمی میان دو ملت مسلمان در مرحله دوم از ارسال هدایا، این تخت از جمله هدایایی بود که نادرشاه همراه میرزا مهدی‌خان استرآبادی (مؤلف کتاب تاریخ نادری)، به استانبول اعزام داشت و به سلطان محمود اول هدیه نمود. این تخت به شکل بیضی، دارای چهار پایه ضخیم است. اسکلت تخت چوبی و روکش بدنه و پایه‌ها از طلاست که با رنگ‌های سبز و سرخ میناکاری شده و با انواع زمرد و یاقوت و مروارید تزیین شده است. (تصویر شماره ۱۰)

جالب است بدانیم که سلطان محمود عثمانی در مقابل این هدیه نادرشاه، پس از انعقاد یک قرارداد ۱۷۴۶ میلادی، سفیر کبیر خود را همراه هدایایی از جمله خنجر معروف توپکاپی که ذکر آن گذشت، به ایران می‌فرستد و متأسفانه وقتی به ایران می‌رسد که نادر به قتل رسیده و به همین علت هدایا به استانبول بازگردانده می‌شوند. (تصویر شماره ۱۱)

از نکات جالب سالن چهارم، جعبه متعلق به ردای حضرت محمد (ص) است که در این مجموعه نگهداری می‌شود. محل قرارگیری مجموعه‌های گنجینه امپراتوری در کاخ موزه پریکاپی، در جانب شرقی حیاط سوم کاخ است. (پلان شماره ۱ - شماره ۹)

ب - مجموعه لباسهای سلاطین عثمانی

در همان حیاط سوم و در جنوب بخش گنجینه امپراتوری، در سالن بزرگ دیگری، مجموعه‌ای از لباس‌ها و پارچه‌های قدیمی متعلق به سلاطین عثمانی در ویتترین‌های بزرگ و قدیمی به نمایش در آمده‌اند. (پلان ۱ شماره ۸) این لباس‌ها که متعلق قرون پانزدهم تا هجدهم است و از سلاطین مختلف عثمانی همچون سلطان محمد فاتح، سلطان سلیمانی و سلطان با یزید دوم و دیگران بر جای مانده‌اند (تصاویر شماره ۱۲



۱۲- راست- لباس سلطان سلیمان دوم، قرن ۱۳- چپ - لباس کودکی سلطان احمد اول قرن هفدهم میلادی.

و ۱۳)

صنعت پارچه بافی از قرن پانزدهم در این سرزمین رونق فراوان پیدا نمود و شهر بارس، مرکز صنایع پارچه بافی شد. نقوش پارچه های ابریشمی را شبیه سفال ایزنیک، با طرح های گل های طبیعی قرنفل و سرخ و لاله بود که تلفیقی از نقوش به سبک ترکی و ایرانی است. از قرن شانزدهم به بعد، این پارچه ها با کالاهای بافت و نیز و اسپانیا در بازارهای اروپا به رقابت پرداخت.

ج - مجموعه یادگارهای مذهبی



این قسمت از کاخ، موزه شامل یادگارهایی از حضرت محمد (ص) است، که توسط سلطان سلیم اول پس از فتح مصر در سال ۱۵۱۷ م آورده شدند. این مجموعه، گروهی از اتاق های گنبددار دارد. دیوارهای مدخل ورودی با کاشی ایزنیک قرن ۱۶ زینت یافته اند. در قسمت مرکزی اولین بخش عسای خیزران حضرت محمد (ص) و شیشه هایی از سه خلیفه اول و حضرت علی (ع) و دیگر رهبران مذهبی به نمایش در آمده اند.

۱۴- قفل کعبه، نقره طلاپوش قرن هفدهم میلادی، مجموعه یادگارهای مذهبی.



در بالای دری به نام در بخشش - که توسط سلطان مراد سوم در طی بازسازی کعبه آورده شده است - گفتاری از حضرت محمد (ص) که در طلاقاب شده، قرار گرفته است و توجه بینندگان را به خود جلب می کند. از اینجا وارد اتاق چپ می شویم که دیوارهای آن با کاشی های قرن شانزدهم و جمالتی دیگر از حضرت محمد (ص) تزیین

۱۵- نامه حضرت محمد (ص) معروف به نامه سعادت، مجموعه یادگارهای مذهبی.

یافته اند. در بخش مرکزی این اتاق، قرآنی وجود دارد که به قدیمی ترین قرآن شهرت یافته است که بر پوست آهو نوشته شده و چند جعبه که مخصوص نگهداری ردای پیغمبر بوده اند.

شیء مهم دیگر در این مجموعه، پوشش طلایی جایگاه سابق حجرالاسود «سنگ سیاهی که از بهشت فرود آمده» و در کعبه قرار گرفته - است و نیز ناودان های باران متعلق به دیوار کعبه که از سقف آن آویزان می شدند، در این مجموعه وجود دارد.

با گذر از این اتاق، در سمت راست ما وارد اولین اتاق می‌شویم که دارای گنبد و کاشی‌کاری هستند و نیز با کتیبه‌هایی از قرآن زینت یافته‌اند. در قسمت میانی، شاهد آثار متعلق به حضرت محمد (ص) یا منسوب به ایشان به نمایش در آمده‌اند که این آثار شامل یک نامه که در جعبه‌ای از جنس طلا قرار داده شده، خاک قبر، چند تار موی، چند تا دندان و جای پای ایشان است. (تصویر شماره ۱۵)

با گردش به سمت چپ، وارد خاص‌ترین بخش موزه با نام کوشک ردای مقدس می‌شویم. این اتاق در پشت سیم‌های جدا کننده بسته شده و در زمان استفاده از آن به عنوان محل کار سلطان استفاده می‌شد که با انتقال محل اقامت به کاخ *دلما باغچه*، کارکرد آن نیز تغییر نمود.

د: مجموعه ظروف چینی

با وجود کیفیت و تنوع پرمایه و مجموعه‌های ارزشمند کاخ موزه توپکاپی، جالب است بدانیم که این موزه دارای یکی از با ارزش‌ترین مجموعه‌های ظروف چینی و ژاپنی در جهان است. این آثار که از دوره‌های یوان، مینگ و کویینگ برجای مانده‌اند، متعلق به قرون چهاردهم تا هجدهم میلادی هستند. این مجموعه در ضلع شرقی حیاط دوم کاخ در ساختمان‌های آشپزخانه کاخ امپراتوری قرار گرفته‌اند (پلان شماره ۱ - شماره ۲)



تصویر ۱۶ (راست): ظرف سلادون - تصویر ۱۷ (چپ): ظروف چینی سفید و آبی - دوره یوان - اواسط قرن ۱۴ م قرن چهاردهم از سلسله یوان

ه: مجموعه نگارگری

کاخ موزه توپکاپی، دارای مجموعه بسیار غنی و با ارزشی از هنر نگارگری و مصورسازی است که در بررسی تاریخ هنر نقاشی اسلامی و نگارگری ایرانی، اهمیت بسیار والایی دارد. این مجموعه علاوه بر کتب مصور عثمانی، شامل آثاری از مناطق گوناگون و سلسله‌های مختلف، همچون بغداد و موصل در بین‌النهرین قرن سیزده تبریز در دوره ایلخانی، شیراز در دوره مظفریان قرن چهاردهم، تبریز و شیراز در دوره آق‌قویونلو، هرات در دوره تیموری و شیراز و تبریز در دوره صفوی قرن پانزدهم در ایران است. قدیمی‌ترین آثار موجود در موزه توپکاپی، بیشتر شامل کتب علمی و داروشناسی و نیز قصه‌های ایرانی چون کلیله و دمنه است

که شامل آثاری از موصل، بغداد، سوریه و شیراز می‌شوند. در یک تقسیم‌بندی، آثار بر جای مانده در موزه توپکاپی به شرح ذیل هستند:

- تصاویر اولیه اسلامی
- نقاشی ایرانی و مضامین غیرمذهبی یا داستانی
- نقاشی ایرانی در دوره تیموری
- نقاشی تیموری در ترکستان
- نقاشی صفویه و ازبک
- کتاب‌های مصور عثمانی

نگارگری ایرانی

غنی‌ترین مجموعه نگارگری ایرانی جهان، در این موزه نگهداری می‌شود. چهار مجلد بزرگ مربوط به دوره‌های متفاوت وجود دارد که عبارتند از خزینه‌های ۲۱۵۲، ۲۱۵۳، ۲۱۵۴ و ۲۱۶۰، اولین آنها خزینه ۲۱۵۲، با عنوان خزینه بایسنقر بسیار مشهور است، زیرا حاوی چندین متن متعلق به دوره این شاه تیموری و حامی بزرگ کتاب‌آرایی است. این مرقع شامل ۱۱۴ نمونه خط و ۳۶۱ مجلس نقاشی است که آخرین آنها متعلق به سال ۱۴۵۵ م (۸۵۹ هـ. ق) است. مرقع موسوم به خزینه ۲۱۵۳ را بعضاً یکی از مرقعات فاتح نامیده‌اند که نام خود را از فاتح عثمانی قسطنطنیه دارد. احتمال قوی‌تر این است که این مرقع را برای یعقوب بیگ از سلاطین ترکمن دودمان آق‌قویونلو که بر غرب ایران حکم می‌راند (۱۴۱۷ - ۱۴۹۰ م / ۸۸۰-۸۹۵ هـ. ق) گرد آورده باشند. این مرقع ۵۴۶ نقاشی و تصویر دارد و بیشتر آثار منسوب به سیاه‌قلم را در خود جای داده است، مرقع موسوم به خزینه ۲۱۵۴ در میانه قرن شانزدهم م (دهم هـ. ق) برای بهرام میرزا، پسر شاه اسماعیل صفوی (سلطنت ۱۵۰۱ - ۱۵۲۴ م / ۹۰۶-۹۳۰ هـ. ق) ترتیب داده شده و حاوی ۱۴۴ تصویر و متن مشهور دوست محمد درباره تاریخچه نگارگری ایرانی و منتخبی زیبا از نقاشی‌های قرن چهاردهم م (هشتم هـ. ق) است. سرانجام خزینه ۲۱۶۰ که تنها ۱۳۱ تصویر دارد که چندین تصویر آن در گروه تصاویر منسوب به سیاه‌قلم قرار می‌گیرند و معمولاً به هنرمندان ترکمن نسبت داده می‌شوند که احتمالاً یکی از دودمان‌های نیمه صحرائشین غرب ایران و آسیای صغیر قرن پانزدهم م (نهم هـ. ق) بوده است. این چهار مرقع، بیشترین شهرت را دارد، به ویژه آنهایی که جالب‌ترین تصاویر یا زیباترین تصاویر طول تاریخ را در خود جای داده‌اند.

در اواخر قرن دوازدهم و سیزدهم دوران اسلامی، ما شاهد ظهور کتب و داستان‌های مصور هستیم که به موزات ظهور سوداگران و تجار این دوره با دارایی‌ها و ادعاهایشان به تقلید از حکمرانان بود، چرا که این داستان‌ها به شرح سروری شاهان و حکمرانان می‌پرداختند. از آثار این دوره از مجموعه موزه توپکاپی، می‌توان به آثاری چون جامع التواریخ رشیدی ۱۳۱۴، جامع التواریخ ایلخانی تبریز ۱۲۳۰، معراج‌نامه تبریز قرن ۱۴ و شاهنامه فردوسی شیراز ۱۳۳۰ اشاره کرد، تأثیرات تیموریان بر عناصر هنر و اقتصاد و نظام

اجتماعی، بسیار متفاوت از تأثیر مغول بود و در دوره تیموری شاهد شکوفایی هنر نگارگری و ظهور مکتب هرات و نقاش معروف این زمان کمال‌الدین بهزاد هستیم. نقاشی‌های کلیده و دمنه و خمسه نظامی موجود در موزه توپکاپی، نمونه‌ای بسیار درخشان و مشهور در تاریخ نگارگری است. (تصاویر ۲۰ الی ۲۷)

نقاشی‌های نیمه میانی قرن شانزدهم، اکثراً به سبک بهزاد کار می‌شد که با طرح‌های معماری ساده با خطوط باریک و زیبا از رنگ‌ها و سرانجام نقاشی‌های فیگوراتیو بود که در آنها واقعیت‌گرایی و سرزندگی قبلی نبود. هنر صفویه در واقع به وسیله نقاشان آق‌قویونلو اوج بخشیده شد نسخه خمسه نظامی موجود در موزه توپکاپی بوسیله شاه طهماسب صفوی ایجاد شد که بزرگ‌ترین مجموعه تصویری از خمسه نظامی است که خطاط آن شاه محمد نیشابوری است. (تصاویر ۲۹ الی ۳۱). موزه توپقاپو سرای همواره گزیده‌هایی زیبا از شاهکارهای خود را به نمایش می‌گذارد، ولی دسترسی به این غنی‌ترین مجموعه نگارگری ایرانی جهان دشوار است.

نکته جالبی درباره مجموعه نگارگری‌های کاخ موزه توپکاپی این است که استاد حسین طاهرزاده بهزاد (متولد ۱۲۶۶ هـ. ش) در وزارت اوقات عثمانی و موزه‌های شهر استانبول مأمور مرمت کتاب‌های مینیاتور قدیم شد و در موزه توپکاپی قریب یک‌هزار جلد کتاب خطی قدیم ایرانی و نگارگری‌های ایرانی را بازسازی و مرتب و منظم کرد. ضمن چند سال کار توانست مأخذ و منابع این کتب خطی را معین و برای هر یک برچسبی تعیین کرد و با تنظیم این آثار جاویدان هنر و مینیاتور ایران خدمت بزرگی به هنر ایران انجام داد. بحث در موضوع نقاشی ایرانی و آثار موجود در توپکاپی، موضوع مهمی است که هنرشناسان زیادی در زمینه هنر اسلامی را به خود مشغول داشته است.

کتاب‌های مصور عثمانی

نقاشی عثمانی، اساساً تحت تأثیر نقاشی ایرانی بود و از سبک صفویه ایران تقلید منشعب شد- از روی داستان‌های شاهنامه فردوسی نیز نسخه‌های مصور تهیه نموده‌اند، ولی عمدتاً تفاوت نقاشی‌های عثمانی در گرایش تاریخ‌نگاری و رویدادنگاری آنها بود. آثاری چون *سلیم‌نامه* و *سلیمان‌نامه* در مدح کارهای فردی سلاطین عثمانی ساخته می‌شدند، از آثار مهم موجود در موزه‌ها توپکاپی هستند. از آثار مهم دیگر نقاشی عثمانی که واقعیت‌نگاری در آنها دیده می‌شود، نسخه معروفی است که در کتابخانه استانبول نگهداری می‌شود که در آن پلان نقاشی از شهرهای مهم قدیمی چون سلطانیه، تبریز، بغداد، استانبول و ... دیده می‌شود.

اولین نسخه‌های مصور عثمانی، به دستور سلطان محمد فاتح انجام شدند و هم‌اکنون بود که نقاشی معروف ونیزی «چنتلی پلینی» را به دربار خویش آورد که مکتب نقاشی غربی و فنون پیشرفته آن را به شاگردان ترک خود آموخت و تغییر مخصوصی در سبک مینیاتور نگارگری عثمانی به وجود آمد. بخش مهمی از آثار نقاشی عثمانی موزه توپکاپی را پرتله‌های سلاطین عثمانی تشکیل می‌دهند. (تصویر ۳۲) بخش دیگری از آثار عثمانی در هنر نگارگری را مصورسازی نسخ مذهبی تشکیل می‌دهند، همچون مجموعه مصور سیره نبی (ص).

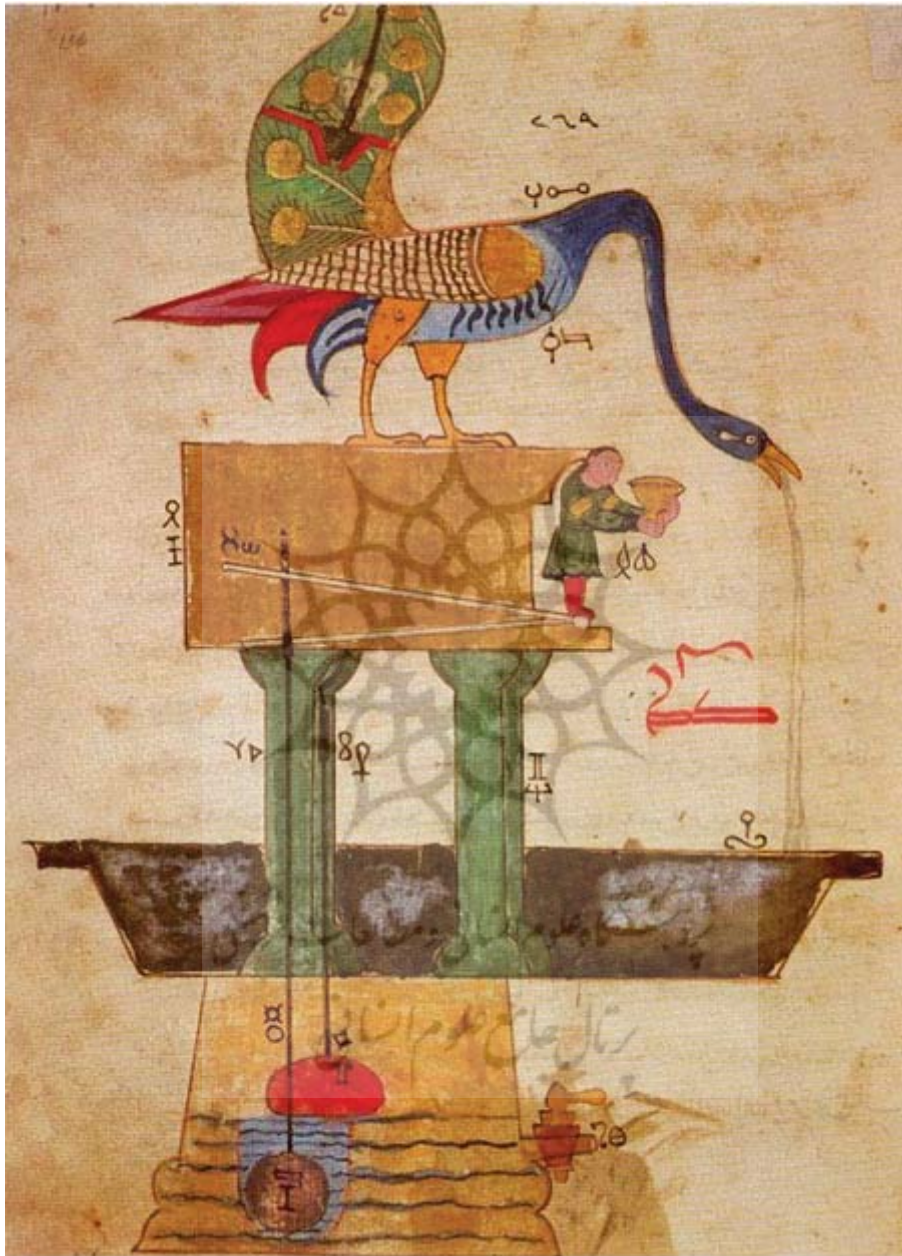
مؤخره:

توپ‌کاپی به نظر می‌رسد نقطه مرکزی یک فرهنگ وارداتی از فرهنگ چادرنشینان قبایل ترک بود که اجداد آنها از آسیای مرکزی به آسیای صغیر دست پیدا کردند و میان دوره کوتاه تاریخی بین دو قرن توانستند از یک پادشاهی ملوک الطوایفی کوچک رشد کرده و به یک قدرت عمده جهانی تبدیل شوند که در این زمان آن‌ها برخوردار از یک سنت درباری و فرهنگ خودی با حدود هزار سال سابقه بودند. این مجموعه ساختمان‌ها هرچند تلفیقی از عناصر بیزانسی بود آنچه که در قرن الذهب یا شاخ زرین رشد نمود، هرگز نمی‌تواند از تاریخ پیشینیان عثمانی جدا شود.

با وجود تناسبات غیر یادبودی، غیر محوری، نامتقارن و خلاف عادت این مجموعه، برخلاف کاخ‌ها و ابنیه غربی که در همان دوره ظاهر شدند و نیز تأثیراتی که از ساختار معماری درون‌نگرای اسلامی و ایرانی داشته که می‌توان آن را با مجموعه‌های ایرانی مقایسه نمود. مسلماً کاخ توپ‌کاپی بسیار متفاوت از هر دو دسته ظاهر شده و به عنوان یک دنیای کوچک منحصر به فرد بر جای مانده است و اشیاء و مجموعه‌های موجود در آن داستان‌ها و روابط آن دوران تاریخی را زنده نگه داشته‌اند.

فهرست منابع:

- <http://www.ee.bilkent.edu.tr>
- Grabar.oleg, *Mostly Miniatures: An Intruducation to Persian painting*, princeton university press, 1999.
- اصفهانیان، داود «تخت اهدایی نادر شاه به سلطان محمود عثمانی»، هنر و مردم، شماره ۱۵۹؛ تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مهرماه ۱۳۵۴.
- پاکباز، روین، *دائرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکره تراشی و هنر گرافیک)*، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
- تدین، احمد، *فرهنگ تاریخ*، ج ۲، تهران: آگاه ۱۳۶۹.
- مهرپویا، جمشید، «استاد حسین طاهرزاده بهزاد، موزه‌ها شماره ۸، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور آذر، ۱۳۶۷.



پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۱۸- نگارگری قرون اولیاء اسلامی، تشت شستشو در شکل یک طاووس، از کتاب معرفه الحیل الهندسیه
۱۲۰۵ م.



۱۹- نگارگری قرون اولیه اسلامی، دانه خردل و طرز کاشت آن، سوریه ۱۲۲۹ م.



۲۰- نگارگری ایرانی، صحنه ایی از جنگ بدر، از کتاب جامع التواریخ ۱۳۱۴ م.

پیام بهارستان / ۴، ۳، ۲، ۱ / پاییز ۱۳۹۰



۲۱- نگارگری ایرانی، جنگ اسفندیار و سیمرخ، شاهنامه، شیراز، ۱۳۳۰ م.



۲۲- نگارگری مغول در دوره ملایر، منوچهر شاه ایران و شکست دادن تورانیان، تبریز، نیمه دوم قرن

۱۴ م.



۲۳- نگارگری مغول در دوره جلالیه، جنگ اسفندیار با گرگها، شاهنامه، تبریز، ۱۳۷۰ م.



۲۴- نگارگری ایرانی دوره تیموری، حمله شیر به گاو، کلیله و دمنه، هرات ۱۴۳۰ م.



۲۵- نگارگری ایرانی دوره تیموری، آبتنی کردن شیرین، تبریز ۱۴۱۸ م، خمسه نظامی.



۲۶- نقاشی تیموری در ترکستان جنگجو و اسبش، احتمالاً هرات، اواخر قرن پانزدهم میلادی.



۲۷- نقاشی تیموری، نبرد میان دو مخلوق افسانه‌ایی کار استاد محمد سیاه قلم، اوایل قرن پانزدهم میلادی، ایران.



۲۸- نقاشی دوره تیموری در ترکستان زنی برای یک شنونده فلوت می‌نوازد، تبریز در دوره آق قویونلو، قرن پانزدهم میلادی.

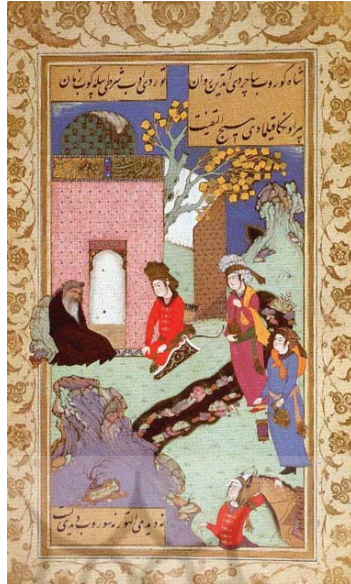


۲۹- نگارگری ایرانی دوره صفوی شکار خود از خمسه نظامی، شیراز ۱۵۴۰م.



۳۰- نگارگری ایرانی دوره صفوی، اسکندر در کعبه، خمسه نظامی، شیراز ۱۵۴۳م.

توپ‌قاپوسرای، موزه هنر اسلامی / میثم رضایی مهوار



۳۱- نگارگری ایرانی در دوره صفوی، دیدار با درویش مخزن الاسرار، اصفهان، ۱۶۱۰ م.



۳۲- نقاشی عثمانی، چهره سلطان محمد فاتح، استانبول، قرن پانزدهم میلادی.